

زنان، بربریت یا سوسیالیسم

الف. آناهیتا



هشت مارس، روزهمبستگی جهانی با پیکار زنان برای رهایی از بندهای ستم جنسی و طبقاتی، روز تجدید پیمان با زنانی که در تاریخ به ستم جنسی نه گفته و به مبارزه برخاسته اند، بر همه انسانهای عدالت خواه مبارک باد.

نود و پنج سال از شروع مرحله نوینی در مبارزه زنان برای دستیابی به برابری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می گذرد. جنبش زنان در طی این دوران، دستاوردهای چشمگیری مانند حق رای، حق کار خارج از خانه، حق آموزش و تحصیل و ... کسب کرده است اما باوجود تلاشها و فداکاریهای زنان آگاه برای رفع نابرابری جنسی، هنوز راهی طولانی در پیش رو باقی مانده است.

از هر سه زن در سراسر جهان، یک زن در طول دوران زندگی، خشونت را تجربه می کند.

خشونت علیه زنان طی سالهای گذشته از اطاق خواب تا صحنه جنگهای داخلی و جنگهای بین مرزی رایج بوده است. زنان اولین قربانیان سیاستهای جنگ طلبانه امپریالیسم در طی سالهای گذشته بوده اند.

براساس گزارش سازمان ملل، بیشترین قربانیان جنگ را نه سربازان بلکه زنان و کودکان تشکیل می دهند. مشکل زنان در جنگ فقط مرگ نیست بلکه، آنان در زمان جنگ مورد تحقیر و سرزنش قرار می گیرند، به عنوان غنایم جنگی مورد تجاوز جنسی واقع می شوند و در بسیاری موارد اندام تناسلی آنان ناقص می گردد.

در دهه فعلی، عصر تکنیک و ثروت، تجاوز جنسی به زنان در هنگام جنگ به موضوعی بسیار عادی تبدیل گشته است تا آنجا که زنان سرباز نیز از طرف همکاران مرد خود مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند.

قربانیان این عمل وقیحانه، در بسیاری موارد آنچنان از اختلالات روحی و روانی رنج می برند که به دلیل عدم رسیدگی به وضعیت آنان، خودکشی را به زنده ماندن ترجیح می دهند و یا براساس فرهنگ ارتجاعی به نام "دفاع از حیثیت خانواده"، توسط مردان فامیل خود به قتل می رسند.

زنان در سالهای اخیر، در عرصه جنبش جهانی ضد جنگ نقش بسزایی ایفا کرده اند.

یکی از آخرین نمونه های این امر، راهپیمایی بیش از ۵۰۰۰ زن در کشور سوئیس در روز هشت مارس امسال بود که زنان در طی این راهپیمایی، علاوه بر اعتراض به تبعیض در پرداخت دستمزدها بین زنان

گزارشات پیرامون اعتراضات کارگری علیه اعمال این سیاستها در سال ۲۰۰۴، نشان دهنده افزایش میزان رادیکالیسم جنبشهای کارگری و نقش بسیار موثر و مهم زنان کارگر در سازماندهی بسیاری از اعتصابات در سراسر جهان است.

یکی از نمونه های آن، اعتصاب ۹ هفته ای چهار هزار کارگر زن در اسکاتلند علیه سطح پایین دستمزدها و دیگری اعتصاب زنان کارگر ایالت کالیفرنیا آمریکا که بیش از سه ماه به طول انجامید، می باشد.

دولت آمریکا به رهبری بوش می کوشد نه تنها در آمریکا بلکه بطور جهانی مساله حق کورتاژ زنان را مورد حمله قرار دهد و در همین راستا از سازمان ملل خواسته است که بطور عمومی انجام عمل کورتاژ را متهم سازد.

در همین رابطه، به گزارش خبرگزاری فرانسه در تاریخ ۲ مارس سال جاری، در سالگرد یکن ۱۰، بسیاری از نمایندگان گروه های غیر دولتی طرفدار حقوق زنان و بسیاری از شرکت کنندگان از کشورهای اروپایی، سیاستهای دولت آمریکا در این رابطه را شدیداً محکوم کردند.

پیرامون حمله به حق کورتاژ، زنان نیز سکوت اختیار نکردند. چنانکه در آوریل سال گذشته، بزرگترین حرکت زنان آمریکایی در تاریخ این کشور در دفاع از حق کورتاژ صورت گرفت.

حقوق زنان مجموعه ای به هم پیوسته می باشد که حمله به هر قسمت از آن به معنای حمله به کل مجموعه محسوب می شود و بدون تردید مقدمه ای برای آغاز حمله های بعدی می باشد.

در عرصه امورسیاسی فقط ۱۵٫۷ درصد از نمایندگان پارلمانهای دنیا زن هستند. میزان کسب موقعیتهای بلند پایه در دولتها توسط زنان در سال ۲۰۰۴ نسبت به سال ۲۰۰۰، تنزل پیدا کرده است که نشاندهنده شدت نابرابری سیاسی بین زنان و مردان در سیستم سرمایه داری حاکم بر جهان است.

اگرچه در میان همین اندک زنانی که دارای قدرت سیاسی هستند، نمی توان نماینده و یا وزیر زنی پیدا کرد که هدفش اصلاح وضعیت زنان بخصوص زنان کارگر باشد. سیاست زنانی همچون خانم رایس، وزیر خارجه دولت جرج بوش، خانم اولاشمیت، وزیر بهداشت و درمان دولت آلمان یا خانم روت کلی، وزیر آموزش و پرورش دولت انگلیس و... در واقع حمله به طبقه کارگر این کشورهاست تا اصلاح وضعیت آنان.

تعرض دول سرمایه داری به باقیمانده تسهیلات و امکانات رفاهی جوامع که در طی مبارزات کارگری بعد از جنگ جهانی دوم کسب گردید و حمله به حقوق زنان، زاینده سیاستهای

نئولیبرالیستی در سالهای اخیر بوده و بربریت نظام سرمایه داری را بیش از پیش در برابر چشم جهانیان آشکار ساخته است.

رزا لوکزامبورگ، رهبر انقلاب کارگری آلمان در اوایل قرن بیستم، در این رابطه گفت، بشریت در مقابل دو انتخاب قرار گرفته است: سوسیالیسم یا بربریت.

مبارزات زنان برای رفع ستم جنسی، خصلتی کاملاً ضد نظام سرمایه داری دارد و در پیوندی گسست ناپذیر با مبارزات کارگری و زحمتکشان در سراسر جهان است زیرا بدون انهدام اقتصاد کالایی، ماهیت زن به عنوان یک کالا نیز از بین نخواهد رفت.

برابری کامل زن و مرد مستلزم از بین رفتن نظام طبقاتی حاکم و نوع تقسیم کار کنونی که وظایف مجزایی در تولید اجتماعی بر عهده دو جنس زن و مرد گذاشته و جایگزین کردن آن با سیستمی بدون هر نوع تقسیم کار اجتماعی و جنسی می باشد.

نقش جنبش زنان بعنوان جنبشی مستقل و بسیار مهم در اعتراضات ضد جنگ و ضد سیاستهای نئولیبرالیستی، بیش از پیش به این ضرورت مهر تأیید می زند که مبارزه برای رفع ستم جنسی در پیوندی ناگسستنی با مبارزه برای رفع ستم طبقاتی قرار دارد و حضور زنان در صحنه مبارزه طبقاتی به تعمیق مبارزات زنان می انجامد.

تجربه ثابت کرده است که میزان موفقیت جنبشهای عدالت خواه به میزان شرکت زنان در آن جنبش رابطه مستقیم داشته و انجام انقلاب اجتماعی بدون شرکت زنان امکان پذیر نخواهد بود.

در شرایط حساس کنونی، مسایل و منافع زنان می بایست در ردیف اول مسایل مهم جنبش سوسیالیستی قرار گیرد و سازمانها و احزاب مدافع حقوق زحمتکشان می بایست جدی تر از گذشته از حقوق زنان دفاع کنند و برای به حرکت در آوردن نیروی عظیم زنان و جذب تعداد زیادتری از آنان که ستم دیده ترین و فقیرترین افراد طبقه کارگر هستند، بیش از پیش تلاش کنند.

مشکلات امروزی زنان تنها در یک جامعه سوسیالیستی قادر به حل است. آن زمان که ماهیت خانواده کنونی به عنوان یک واحد اقتصادی از بین برود و هویت زن بعنوان فردی برابر با مرد در جامعه شناخته شود، آنگاه زن در شرایطی برابر با مرد در تولید اجتماعی شرکت خواهد کرد، موانع پیشرفت زنان به خاطر جنسیت آنان از بین خواهد رفت و استعداد های آنان بعنوان یک فرد در جامعه شکوفا خواهد شد.